

اندر حکایت شرم، خجالت و آزرَم در سازمان: یک خودمردم‌نگاری تحلیلی

مسعود عباسی^۱، مصطفی هادوی نژاد^{۲*}

۱- کارشناس ارشد، گروه مدیریت، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه ولی عصر (عج)، رفسنجان، ایران.

۲- دانشیار، گروه مدیریت، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه ولی عصر (عج)، رفسنجان، ایران.

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۹/۲۸

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۹

انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۲۳

پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶

چکیده

پژوهش حاضر برای دریافت درکی عمیق از احساسات شرم، خجالت و آزرَم در بافت فرهنگی پارس جنوبی، تجربه شخصی یکی از نویسندگان را مبتنی بر خودمردم‌نگاری تحلیلی واکاوی کرده است. نتیجه تحلیل خوداندیشانه روایت‌های سیزده‌گانه مقاطع کاری پژوهشگر نشان داد که شرم تجربه‌شده در بسترهای موجد مقایسه خود واقعی و دیگری برتر، ناهنجاری اخلاقی عجب در برابر شایستگی‌های فنی و انتظارات مضاعف غیرواقعی نامنطبق با شایستگی‌های فنی از عضو سازمان، احساس شده است. ضمن اینکه شرم می‌تواند در زنجیره فرمان از پایین‌ترین تا بالاترین رده سازمانی انتقال پیدا کند. همچنین، به واسطه نهادینگی بایستگی آزرَم در برابر مدیران و در نتیجه ترجیح سکوت بر نقد سازمانی، خجالت‌زدگی مدیران متعاقب نقد ایشان یا طرح نارسایی‌های سازمانی، کارکرد اصلاحی مطلوبی ندارد. وانگهی، معلوم شد گونه‌های آزرَم متهمی به سکوت سازمانی و آزرَم سیاسی از پایین به بالا و آزرَم متهمی به مداهنه در انجام وظایف شغلی از بالا به پایین سلسله‌مراتب سازمانی، پدیده‌هایی کژکارکردی‌اند.

واژه‌های کلیدی: احساسات خودآگاه، خجالت، شرم، آزرَم، خودمردم‌نگاری.